آنچه از ظاهر قرآن کریم بر می آید، این است که آنها قومی بدوی و وحشی بوده اند که در زمین فساد می کرده اند و سدّ ایجاد شده توسط ذوالقرنین در برابر آنها، سبب نجات مردم از تباهکاری آنان گردید. آنها تا زمانی که تعدادشان به لحاظ عقلی و عرفی به حدّی برسد که توانایی غلبه را داشته باشند، در پشت آن باقی خواهند ماند و آنگاه که زمان آن فرا رسد، بار دیگر بر صحنه ی گیتی پدیدار شده و فساد را از سر می گیرند و بشر یک بار دیگر حضور و فساد آنان را تجربه می نماید. آنان به سبب وجود سدّی که توسط بشر اوّلیه در برابر آنان ایجاد شده، کینه ی بشر آخرالزّمان را در دل دارند.

بنابر اقتضای فهم ما از آیات کریمه و احادیث، خروج آنها از پشت سد، فاصله ی اندکی با زمان ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) دارد.

در قرآن آمده است که قومی از حضرت ذوالقرنین درخواست ساخت سدی را کردند تا از خونخوارترین اقوام عالم در امان باشند.

ذوالقرنین (ع) نیز سدی را برای آنها از جنس فلز بنا کرد، به این ترتیب آن قوم از گزند یاجوج و ماجوج در امان ماندند.

اما موقعیت آن سد کجاست؟

احتمال اول:

برخی ها آن سد را طبق فرضیه شریف الادریسی، در مناطقی چون ارمنستان فعلی یا قفقاز و... می‌دانند.

احتمال دوم:

ممکن است حمله آن‌ها از درون حفره هایی از داخل زمین صورت بگیرد...

اما از قول قرآن می‌خواهیم یک نقل را بررسی کنیم.

احتمال سوم:

در سوره انبیاء(آیه ۹۶) «حَتَّی إِذَا فُتِحَتْ یَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن کُلِّ حَدَبٍ یَنسِلُونَ: تا وقتی که یاجوج و ماجوج گشوده شود و آنها از هر پشته ای بتازند»، قرآن می‌فرماید"وَهُم مِّن کُلِّ حَدَبٍ یَنسِلُونَ" (آن‌ها از هر پشته‌ای بتازند)...

این به این معنی می تواند باشد که اگر مکان حمله آن‌ها را اگر از یک نقطه در نظر بگیریم، طبیعتا گستره حمله آن‌ها محدودتر خواهد بود و این تصور با لفظ قرآن "آن‌ها از هر پشته‌ای بتازند" خیلی با منطق جور در نمی‌آید.

اما اگر گستره حمله آن‌ها از محیط بزرگتری مثلا اطراف محیط زمین باشد همان‌طور که خداوند در قرآن می‌فرماید "عذاب من بر کافران محیط است" می توان تصور کرد که اگر پیشروی آن‌ها از اطراف زمین به داخل شروع شود، بهتر می‌توان نتیجه‌گیری کرد که آن‌ها " از هر پشته‌ای بتازند"

مخصوصا در احادیث داریم که یاجوج و ماجوج در پشت کوه قاف یا همان کوه‌های محافظ، زندگی می‌کنند همان کوهی که دور تا دور زمین را طبق احادیث در برگرفته و بر زمین محیط است.

و با توجه به این مطلب زمین در محاصره ده‌ها هزار کیلومتری این موجودات قرار دارد و توسط سدی خاص محافظت می‌شود با این نوع برداشت می‌توان جمعیت میلیاردی این موجودات را با منطق بیشتری در اطراف زمین قبول کرد!

اما آیا یک سد می‌توانند ده‌ها هزار کیلومتر وسعت داشته شود بدون آن‌که دیده شود؟

ابن بابویه از حضرت صادق (ع) روایت کرده است که امام صادق (ع) در تفسیر سوره مبارکه "قاف"

"ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِیدِ﴿۱﴾"

می‌فرمایند:

»ق» اسم کوهی است که محیط است به تمام زمین و سبزی آسمان از آن می‌باشد و با آن‌کوه خداوند زمین را نگاه‌داشته و نمی‌گذارد اهلش را فرو ببرد و پشت آن یأجوج و مأجوج که نوعی از مخلوقاتند سکونت دارند..

بسم الله الرحمن الرحیم

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿۴۷﴾

و روزی را که کوه ها را حرکت می‌دهیم، و زمین را آشکار ببینی، و همه آنان را محشور می‌کنیم، و هیچ یک از آنان را وا نمی‌گذاریم(47) .

کلمه" وَحَشَرْنَاهُمْ" یعنی آنها را محشور می‌کنیم، خب" آن‌ها را محشور می‌کنیم"، چه کسانی هستند؟

کوه‌ها را حرکت می‌دهیم، کدام کوه‌ها را؟ محشور کردن آن‌ها چه ارتباطی با حرکت کوه‌ها دارد؟

آشکار دیدن زمین، یعنی چه؟ مگر ما زمین را همین‌طور آشکار نمی‌بینیم؟

جالب اینجاست که این آیه مبارکه بخشی از سوره کهف هست، همان سوره‌ای که از یاجوج ماجوج صحبت می کند... از کوه‌های که در پشت آن این موجودات هستند!

در احادیث از کوه‌های قاف به نوعی به عنوان کوهی محافظ نام برده شده که این موجودات در از پشت آن به زمین حمله می‌کنند...

ظاهرا الان "وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ" و روزی را که کوه‌ها را حرکت می دهیم ، بیشتر معنی خود را به ما نشان می‌دهد...

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿۳۶﴾

تا به حال به ۲ کلمه دقت کرده‌اید؟

"السَّاعَةَ قَائِمَةً"

"السَّاعَةَ قَائِمَةً َ" از دو کلمه "السَّاعَةَ" یعنی لحظه و "قَائِمَةً" یعنی قائم یا همان قیام کننده تشکیل شده است، همه می‌دانیم که یکی از صفات امام زمان (عج) قائم هست.

و اگر با این دید به این آیه نگاه کنیم متوجه می شویم که این بخش از آیه اشاره به همان لحظه‌ای که متعلق به حضرت قائم (عج) است می‌کند یعنی لحظه ظهور....

این جمله کلیدی در سوره کهف است همان سوره‌ای که از همان موجودات صحبت شد...

اما متأسفانه "السَّاعَةَ قَائِمَةً" تقریبا در بیشتر ترجمه‌ها و حتی گاهی بیشتر تفسیرهایی که از سمت برخی‌ها نوشته می‌شود به‌صورت سهوی به عنوان قیامت معرفی شده است (می‌توانید در ترجمه‌های کنونی خودتان ببینید) و این باعث می‌شود ظهور در قرآن قدری گنگ و گیج کننده یا حتی ناپیدا باشد.

در قرآن از قیامت، با حدود هفتاد اسم نامبرده شده در حالیکه از السَّاعَةَ قَائِمَةً هیچ اسمی در مورد لحظه قیامت برده نشده، یعنی این دو کلمه مبارک در مورد زمان ظهور است.

پیامبر(ص) می‌فرمایند:

»لاَ تَقُومُ الساعَةُ حَتی تَكُونَ عَشْرُ ءَايَاتٍ: الدجالُ، وَ الدخَانُ، وَ طُلُوعُ الشمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا، وَ دَآبةُ الاْرْضِ، وَ يَأْجُوجُ وَ مَأْجُوجُ وَ ثَلاَثُ خُسُوفٍ: خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِالْمَغْرِبِ وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ، وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدَنٍ تَسُوقُ الناسَ إلَيالْمَحْشَرِ، تَنْزِلُ مَعَهُمْ إذَا نَزَلُوا وَ تَقِيلُ مَعَهُمْ إذَا قَالُوا.» («خصال» طبع حيدريص ۳۶ تا ۴۲)

در حدیث بالا یکی از این نشانه های یا همان"الساعَةُ"، در مورد خروج یاجوج و ماجوج صحبت شده است.

آتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿۹۶﴾

(ذوالقرنین گفت) برای من قطعه های آهن بیاورید تا زمانی که میان آن دو پوسته را هم سطح و برابر کرد، گفت: بدمید تا وقتی که آن را چون آتش سرخ کرد. گفت: برایم مس گداخته شده بیاورید تا روی آن بریزم(96) .

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا(97)

توانایی بر ظاهر کردنش نداشتند و توانائی نداشتند تا در آن خللی ایجاد کنند!

نتیجه:

دقت کنید در سوره کهف پیرامون سد ذوالقرنین (ع) از واژه "اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ" استفاده شده است.

یعنی:

توانایی بر ظاهر کردنش نداشتند (یا توانایی رؤیت کردنش را نداشتند)

(به عنوان احتمال) استفاده از مواد فلزی چون آهن و مس در شرایط خاص به‌صورت مذاب می‌تواند به ایجاد یک نوع میدان مغناطیسی یا شاید نوعی میدان انرژی در اطراف خود منجر شود.

گفته می شود که میدان مغناطیسی زمین هم توسط هسته مذاب فلزی اعماق زمین ایجاد شده است...

سد ذوالقرنین (ع) در واقع طبق فرموده قرآن از جنس ماده نبود بلکه از جنس نوعی میدان انرژی بود!

این سد نوعی میدان انرژی که مانع از ورود چیزی به داخل محدوده‌اش یا خارج شده چیزی به بیرون از آن می‌شد!

در آیه ۹۲ سوره کهف آمده است "حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا"

تا زمانی که (ذوالقرنین) میان دو سد رسید، نزد آن قومی را یافت که سخنی را به آسانی نمی‌فهمیدند.

می‌توان اینطور برداشت کرد که در ابتدا حضرت ذوالقرنین (ع) به نزدیک ۲ سد رسید، ظاهرا این قوم سدی را ساخته اند آن هم در ۲ عدد، ولی سدها نتوانسته بودند از هجوم آن موجودات جلوگیری نمایند.

به این خاطر در آیه ۹۵ همین سوره، حضرت به آن‌ها پیشنهاد ساخت "رَدْمًا" را دادند.

قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ﴿۹۵﴾

گفت: آنچه پروردگارم مرا در آن تمكّن و قدرت داده بهتر است؛ پس شما مرا با نیرویی یاری دهید میان شما و آنان سدّی "رَدْمًا" قرار دهم

"رَدْمًا" چیست؟

امام سجاد (ع) در فراز ۱۷ صحیفه فرموده‌اند:

»وِ اجْعَلْ بَيْنَنا و بَيْنَهُ. رَدْماً مُصْمِتاً» یعنی میان ما و (شیطان) سدّ محکم قرار بده.

"رَدْمًا" اصطلاحا نوعی سدّ محکم، حتی امام سجاد(ع) هم در مقابل شیطان، از خداوند درخواست "رَدْماً" می‌کند. جمعی از مفسران معتقدند که «رَدْم» به سدّ محکم و نیرومند گفته می‌شود.

از طرفی در ساخت این سد در آیه فرموده شده:

فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا(97)

آن‌ها این توانایی را نداشتند که آن را رؤیت کنند و توانائی نداشتند تا در آن خللی ایجاد کنند!

نتیجه:

در آیه ۹۶ سوره کهف استفاده از مواد فلزی چون آهن و مس در ساخت سد صحبت شده البته این مواد در شرایط خاصی می‌توانند به صورت مذاب به ایجاد نوعی میدان انرژی در اطرف خود کمک کند.

حالا در آیه ۹۶ سوره انبیا می‌خوانیم:

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿۹۶﴾

تا زمانی که [سدّ] یأجوج و مأجوج گشوده شود و آنان از هر زمین بلندی سرازیر می‌شوند(96) .

قرآن در این سوره می‌فرماید این موجودات از هر زمین بلندی سرازیر می‌شوند، یعنی از یک نقطه نبوده بلکه از همه جای زمین خواهد بود، پس می‌توان نتیجه گرفت که احتمالا محدوده پوشش میدان سد که مانع ورود این موجودات در آن زمان شده بود احتمالا چیزی به اندازه زمین ما باشد!

"سد محافظ یا گنبد آسمان؟"

بیایید نکته‌ای عجیب در آیه ۳۳ سوره مبارکه الرحمن را با هم بخوانیم:

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ ﴿۳۳﴾

ای گروه جنیان و انسیان اگر می‌توانید از کرانه‌های آسمان‌ها و زمین به بیرون رخنه کنید پس رخنه کنید، اما نمی‌توانید جز با سلطان(33)

و در آیه بعدی (آیه ۳۵ سوره الرحمن) می‌خوانیم:

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ﴿۳۵﴾

بر سر شما شراره‌هایی از تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد و یاری نتوانید طلبید(35)

در آیه ۳۳ سوره الرحمن صحبت از عدم توانایی جنیان و انسان‌ها در عبور از کرانه آسمان‌ها و حتی زمین صحبت شده و در آیه بعدی (آیه۳۵) فرموده که "بر سر شما شراره هایی از تفته مس و آتش بی دود فرو فرستاده خواهد شد"

دقت کنید در سوره الرحمن در مورد گنبد محافظ آسمان‌ها و زمین از جملات عجیب "شراره‌هایی از تفته مس و آتش بی‌دود فرو فرستاده خواهد شد" صحبت شده!

این جملات آشنا نیست؟

در ساخت سد ذوالقرنین آنجایی که در آیه ۹۶ سوره مبارکه کهف حضرت درباره ساخت سد محافظ فرمود:

زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ﴿٩٦﴾

(ذوالقرنین گفت) برای من قطعه های آهن بیاورید، تا زمانی که میان آن دو پوسته را هم سطح و برابر کرد، گفت: بدمید تا وقتی که آن را چون آتش سرخ کرد. گفت: برایم مس گداخته شده بیاورید تا روی آن بریزم(96)

ظاهرا این ۲ سد یا به عبارتی این دو Super shield در واقع یکی بودند و راه نفوذ در آن هم طبق اشاره (آیه ۳۳ سوره الرحمن) فقط توسط سلطان انجام می شود...

در هر ۲ سوره (کهف) از آهن و مس گداخته و در سوره (الرحمن) از مس گداخته و آتش بی‌دود صحبت شده است!

پس ظاهرا سد ذوالقرنین در اصل همان گنبد محافظ یا بخشی از گنبد آسمان است که خداوند در سوره الرحمن از آن صحبت کرده است.

البته برخی‌ها بر این عقیده هستند که تعدادی از کشورها در حال کار برای اخلال یا حتی شکافتن در عملکرد این گنبد هستند!

ظاهرا عده‌ای از جنس جن یا انس که می‌خواهند راه ورود موجودات ممنوعه را به جهان ما باز کنند!

آیا عوض شدن میدان مغناطیسی زمین و از کار افتادگی سلاح‌ها در زمان حمله یاجوج و ماجوج با هم خواهد بود؟

یک روز از خواب بلند می‌شویم و می‌فهمیم ارتباط بخش‌های بزرگی از زمین توسط چیزهایی از بین رفته است!

از بقیه خواهیم پرسید چرا؟

به ما خواهند گفت:

هیچ موشکی شلیک نشد!

هیچ سلاح هسته‌ای عمل نکرد!

هیچ تانکی حرکت نکرد!

هیچ هواپیمایی بلند نشد!

هیچ کشتی پهنه دریا را شکافت!

حتی لیزر نشانه روی سلاح‌های انفرادی نیز کار نکردند!

رادارها کارایی نداشتند!

در واقع به قرون گذشته برگشته‌اند!

اینها بخشی از عملکرد ابر سلاح‌های الکترومغناطیسی

این سلاح‌ها با تولید پالس‌های بسیار قوی می‌توانند القای شدیدی را در مدارهای الکتریکی ایجاد کنند که منجر به سوختن یا از کار افتادن تمام وسایل الکترونیکی می‌شود.

اما شعاع استفاده این بمب‌ها محدود هست.

هسته مغناطیس زمین بزرگترین ابر بمب مغناطیسی هست که ما می‌شناسیم، اما در حالت عادی نه تنها بی‌خطر هست بلکه کاملا مفید هم هست، اما وقتی قطب‌های آن ناگهان در یک چرخش کامل عوض شوند، می توانند انرژی معادل صدها میلیون بمب EMP را یا پالس‌های صدها میلیون صاعقه را در چند ثانیه آزاد کنند!

این یعنی نابودی تمام دستگاهای الکترونیکی در جهان به صورت تضمینی!

البته در چند هفته اخیر چیزی در حدود ۵۰ آتشفشان در نقاط مختلف جهان فعال شده‌اند که این موضوع حداقل در ۲۰ هزار سال اخیر در نوع خود بی‌سابقه بوده است.

این موضوع یعنی احتمال معکوس شدن قطب‌های مغناطیس زمین درچند سال آینده بسیار بیشتر شده است. این اتفاق در گذشته رخ داده و احتمالا هم در آینده بسیار نزدیک هم رخ خواهد داد!

البته احتمالا در این زمان سدهای محافظ اطراف زمین ما به دلیل معکوس شدن میدان مغناطیسی، باز خواهند شد.

البته در آن هنگام تقریبا تمام از زمین در تاریکی طولانی فروخواهد رفت و شاید.

آیه زیر در مورد حضرت ذوالقرنین (ع) هست.

سوره کهف آیه ۸۶

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا ۗ قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ﴿۸۶﴾

(ذوالقرنین) تا زمانی که به محل غروب خورشید رسید خورشید را یافت که در چشمه‌ای گرم و لجن آلود غروب می‌کند، و نزد آن قومی را یافت. گفتیم: ای ذوالقرنین! یا [این قوم را به کیفر فساد و ستمشان] عذاب می‌کنی و یا در میانشان شیوه‌ای نیک در پیش می‌گیری(86) .

به نظر شما منظور قرآن از "حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ " (تا زمانی که به محل غروب خورشید رسید خورشید را یافت که در چشمه‌ای گرم و لجن آلود غروب می‌کند) چیست؟

یعنی حضرت ذوالقرنین (ع) با آن علم و دانش بسیار بالا نعوذ بالله نمی‌توانست چگونگی غروب خورشید را درک کند یا قرآن می‌خواست چیزی را از این طریق به ما بفهماند؟

پیامبران یا محافظان؟

دقت کنید:

)سوره عنکبوت آیه ۶۷(

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ(67)

آیا ندیده‌اند که ما حرمی امن قرار دادیم و حال آن‌که مردم از حوالی‌آنان ربوده می‌شوند؟«

ربوده شدن توسط چی؟

حالا سوره بعدی:

)سوره قصص آیه۵۷(

وَقَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

گفتند: اگر ما همراه تو از هدایت پیروی کنیم از زمین خودمان ربوده خواهیم شد! آیا ما برای آن‌ها حرم امنی قرار ندادیم در حالی که همواره هر نوع ثمره از هر چیزی که رزقی از سوی ماست به سوی آن گردآوری می‌شود؟ ولی بیشتر آنان معرفت و دانش ندارند.

نتیجه:

ربایش انسان‌ها توسط چیزهایی که هویت‌شان به‌صورت ظاهری مشخص نشده‌اند!!!

متاسفانه بسیاری از مفسرین این اتفاق را به راهزن‌ها یا جوخه‌های ترور ربط داده‌اند در حالی که هیچ چیزی مبنی بر اینکه این اتفاقات به آن‌ها مرتبط داده شود در قرآن یافت نشده است!

ظاهرا در قرآن این ربوده شدن ها در شعاعی خارج از محدوده امن رخ داده است.

حالا یک سوال چرا بجای واژه "يُتَخَطَّفُ" و "نُتَخَطَّفْ" به معنی ربوده شدن و ربوده می‌شویم چرا از واژه اسیر شدن یا کشته شدن استفاده نشده و از واژه ربوده شدن استفاده شده است؟

اینطور که از ظاهر آیات بر می‌آید در آن زمان‌ها مناطقی بی‌دفاع یا کم حفاظ برای انسان‌ها در زمین وجود داشته‌اند که گاهی مورد حمله موجودات یا تمدن‌های ناشناسی قرار می‌گرفته‌اند و این حمله معمولا منجر به ربایش انسان‌ها به جایی نامعلوم می‌شدند!

البته در ظاهر این آیات اینطور بر می‌آید که خداوند آن‌ها را دعوت به مهاجرت به سمت منطقه امن فرموده است!

اینطور که از ظاهر سوره قصص-آیه۵۷ برمی آید فرموده:

"وَقَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ"

گفتند: اگر ما همراه تو از هدایت پیروی کنیم از زمین خودمان ربوده خواهیم شد! آیا ما برای آن‌ها حرم امنی قرار ندادیم در حالی که همواره هر نوع ثمره از هر چیزی که رزقی از سوی ماست به سوی آن گردآوری می‌شود؟ ولی بیشتر آنان معرفت و دانش ندارند.

دقت کنید:

طبیعتا این حرم امن با این ویژگی‌ها می‌بایست مکانی باشد که به نوعی مرکزیتی در زمین را دارا باشد.

چرا؟ چون فرموده:

"ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا مِنْ لَدُنَّا"

"در حالی که همواره هر نوع ثمره از هر چیزی که رزقی از سوی ماست به سوی آن گردآوری می‌شود"

یعنی این محل به نوعی مرکزیت دارد .

در سوره مبارکه آل عمران آیه ۹۶ آمده است:

إِنَّ أَوَّلَ بَيتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذي بِبَكَّةَ مُبارَكًا وَهُدًى لِلعالَمينَ ﴿۹۶﴾

نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه است، که پر برکت، و مایه هدایت جهانیان است.

تا اینجا طبق این آیه از (خستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکّه است) را به عنوان

"بَیتٍ" یاد کرده است. تا اینجا نتیجه می‌گیریم "بَیتٍ" همان مکه هست، اما حال مکان امن یا "أَمْنا" کجاست؟

سوره بقره آیه ۱۲۵:

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنا...

هنگامی را که خانه کعبه را محلّ بازگشت و مرکز امن و امان برای «مردم» قرار دادیم.

اگر در زمان‌های حال یا گذشته انسان‌هایی توسط موجوداتی ربوده شده باشند طبیعتا می بایست بخشی از این موارد در تاریخ ثبت شده باشند.

حالا به گوشه‌ای از این موارد اشاره کنیم:

در یکی از شب‌های زمستانی، در نوامبر سال ۱۹۳۰، روستایی به نام آنجی کوینی در کانادا اتفاقی عجیب را تجربه کرد و به طرز کاملا ناگهانی دیگر هیچ انسان و حیوانی در این روستا دیده نشد!

هیچ کدام از اهالی روستا آن‌جا نبودند، عجیب‌تر این بود که حتی اثری از مردگان داخل قبرها هم نبود. انگار تمامی اهالی زنده و مرده این روستا باهم ناپدید شده بودند.

سلاح‌ها، خوراکی‌ها حتی تمام لباس‌هایشان سرجایش بود. در این میان پلیس سوار نظام کانادا چند روز قبل از این اتفاق در آسمان نورهای عجیب و اجسام نامتعارف دیده و آن‌را گزارش داده بود.

جستجوها برای پیدا کردن جمعیت حدودا ۲۰۰۰ نفری آن روستا نتیجه نداد!

مورد بعدی در شهر کولدهارا در هند در ایالت راجستان هند و ۲۰ کیلومتر پس از شهر جیسالمیر شهری متروکه به نام کولدهارا قرار دارد. که این شهر در سال ۱۸۲۵ یک شبه متروکه شد!

در نظرسنجی "روپر" در سال ۱۹۹۱ نشان می‌دهد که ۴ میلیون نفر از مردم باور دارند که توسط موجوداتی ربوده شده‌اند. این اتفافات آن قدر زیاد است که در آمریکا آن‌هایی که نگرانند مبادا موجوداتی آن‌ها را بدزدند می‌توانند خود را بیمه کنند.

تار عنکبوت شما را به یاد چه اشکالی می اندازد؟

بله، اشکال هندسی شبیه به نوعی بافتنی، یا شبکه مشبک...

خب این چه ارتباطی با حریم آسمان یا گنبد محافظ زمین دارد؟

حالا برای نتیجه گیری بهتره این آیه از سوره ذاریات را بخوانیم:

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ﴿٧﴾

و سوگند به آسمان به هم بافته شده (یا مشبک)(7)

"ذَاتِ الْحُبُكِ" یعنی آسمان به هم بافته شده یا نوعی بافت مشبک، اگر این آیه از سوره مبارکه ذاریات را با آیه ۶۷ سوره عنکبوت مقایسه کنیم می‌توانیم تصور کنیم گنبد محافظ آسمان چه شکلی دارد آن هم یه نوع بافت شبکه‌ای از نوعی انرژی...

نکته بسیار مهم:

جالب اینجاست تعداد حروف "حَرَمًا آمِنًا" در سوره عنکبوت ۸ حرف هست و تعداد حروف "ذَاتِ الْحُبُكِ " در سوره ذاریات هم ۸ حرف است

جالب است بدانید تقریبا همه عنکبوت ها ۸ چشم دارند، و یکی از مدل‌های تار عنکبوت بر پایه شکل هندسی ۸ ضلعی ساخته می‌شود.

در آیه ۱۶سوره حاقه می خوانیم:

و آن روز عرش پروردگارت را هشت فرشته برفراز همه آن‌ها حمل می‌کنند

البته خداوند در آیه ۴۴ سوره عنکبوت فرموده که كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتاً وَ إِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كانُوا يَعْلَمُونَ

همانند عنکبوت است که برای خود خانه‌ای ساخته است و اگر بدانند سست ترین خانه ها خانه عنکبوت است.

امروزه ثابت شده که تار عنکبوت از فولاد نیز در برخی جاها مستحکم‌تر عمل می‌کند و اما این مسئله به تار تنیده شده عنکبوت اشاره دارد و نه به لانه یا خانه عنکبوت، و چون لانه عنکبوت ابریشمی و بسیار نازکند و میانگین ضخامت هر کدام یک میلیونیم اینچ مربع یا یک چهار هزارم ضخامت یک موی عادی در سر انسان است پس لانه تار تنیده شده او برای منزلش با بافتی که برای دام درست می‌کند فرق می‌کند!

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ ۚ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ﴿١٠٢﴾

آیا کسانی که کافرند، پنداشته اند که بندگانم را، به جای من سرپرستان خود می گیرند، ما دوزخ را برای پذیرایی کافران آماده کرده ایم(102) .

بعد از شکستن سد ذوالقرنین (ع) در آیه ۹۸ سوره کهف، قرآن سریعا در آیه ۱۰۲ همان سوره از آمدن دجال صحبت می کند!!!

این یعنی همزمانی تقریبی شکسته شدن سد محافظ و آمدن دجال!

سال‌هاست که صهیونیست‌ها در زیر بیت المقدس به دنبال جادوهای سیاه و طلسماتی هستند که حضرت سلیمان(ع) آن‌ها را از ساحران ضبط کرد و در زیر بیت المقدس دفن کرد تا دست کسی به آن‌ها نرسد!

اگر کسی به آن طلسمات دسترسی پیدا کند و می‌تواند موجودات ماورالطبیعه زیادی را با خود به همراه نماید و علیه جهان از آن‌ها استفاده کند...

از آیه ۴۶ سوره ابراهیم وَقَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ﴿۴۶﴾ "و به یقین آنان نیرنگ خود را به کار بردند، و [جزای] مکرشان با خداست، هر چند از مکرشان کوه‌ها از جای کنده می‌شد." می توان فهمید که طبیعتا جادوی دجال، سحر عظیمی هست و ظاهرآ تاکنون آن‌ها به بخشی از آن جادوهای ممنوعه‌ای دسترسی پیدا کرده‌اند!

در سوره مبارکه الرعد آیه ۱۱:

لَهُ مُعَقِّباتٌ مِن بَينِ يَدَيهِ وَمِن خَلفِهِ يَحفَظونَهُ مِن أَمرِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَومٍ حَتّىٰ يُغَيِّروا ما بِأَنفُسِهِم ۗ... ﴿۱۱﴾

برای انسان، مأمورانی است که پی در پی، از پیش رو، و از پشت سرش او را از فرمان خدا حفظ می‌کنند؛ خداوند سرنوشت هیچ قوم را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!

امام صادق (ع) در تفسیر این بخش از آیه می‌فرمایند:

خداوند به لطف خود آن‌ها(محافظین) را بر بنده‌اش گماشته تا دیوان سرکش و جانوران زمین و آفات بسیاری را از آن‌جا که نبینند به فرمان خدا از او بگردانند، تا فرمان خدای عز و جل رسد...

گاهی در اطراف اتفاقاتی رخ می‌دهد که ما از آن‌ها بی‌خبریم اما در هنگام خواب این حملات به دلیل آسیب پذیری بیشتر، افزایش پیدا می‌کند و ماموریت این محافظین رنگ جدی‌تری به خود می‌گیرد.

ما نبرد این محافظین رو نمی‌بینیم اما می‌توانیم آن را تا حدودی درک کنیم مخصوصا در زمان خواب!

این مامورین ما رو در مقابل چیزهایی که در مقابل آن توانایی دفاع نداریم حفظ می‌کنند، مگر اینکه خودمان، با رفتار یا غذایمان آن‌ها را تضعیف کنیم!

تصور می‌کنید پیامبران چگونه از شر شیاطین در امان بودند؟

در این میان غذا واخلاق و عبادت‌های سفارش شده نقش بسیار مهمی را در تقویت روح و سپرهای حفاظتی اطراف انسان‌ها ایفا می‌کند.

اما متاسفانه شاهد هستیم که باتوجه به نوع سبک زندگی و غذاهایی که با عنوان حلال اما غیر حلال در ایران مورد مصرف عموم قرار می‌گیرد، حرز های اطراف مردم تضعیف شده و موجب ورود ناخواسته‌های شیطانی متعددی به زندگی افراد می‌شود.

غذاهایی مانند ژلاتین از استخوان خوک تهیه می‌شود و به وفور در ایران مصرف می‌شود.

وقتی در سوره انبیأ قرآن می‌خواسته که جمعیت یاجوج و ماجوج را ذکر نماید با این نوع گفتار در آیه مزبور صحبت کرده است:

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾

تا زمانی که [سدّ] یأجوج و مأجوج گشوده شود و آنان از هر زمین بلندی سرازیر می شوند(96) .

واژه از هر"از هر زمین بلندی سرازیر می‌شوند" استفاده شده که احتمالا بخشی از استعاره آیه بر این بوده که میزان کثرت جمعیت آن‌ها را اعلام نماید!

خب اگر تمام جمعیت جهان را ما در یک نقطه به صورت بسیار فشرده جمع کنیم این تجمع مساحت کشوری به اندازه ژاپن را به سختی پر می‌کند در حالیکه جمعیت یاجوج و ماجوج آن قدر بالا هست که تمام نقاط زمین را پوشش می‌دهد که از واژه وَهُمْ مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ استفاده شده است!

این یعنی لشکری حداقل ۱۰ برابر جمعیت انسان‌ها، البته احادیثی هست که تعداد این موجودات را بسیار بالاتر از جمعیت انسان‌ها می‌داند!

اما مسئله این‌جاست که برای مقابله با موجوداتی که تعدادشان حداقل ده‌ها برابر جمعیت انسان‌ها است ما اصلا به میزان حداقل ۳ هزار میلیارد گلوله مسلح هستیم؟ طبیعتا خیر، می‌توان با آنها مقابله کرد؟ خیر

برای نابودی آن‌ها نیاز به یک حمله بسیار بزرگ هست که چنین چیزی از دست انسان‌ها به کلی خارج هست، پس عامل نجات چیست؟

در نشانه‌های ظهور چند علامت را ذکر کرده اند که یکی از آنها یاجوج و ماجوج و دیگری دخان است، بله دخان!

اتفاقا در قرآن سوره ای است به نام دخان:

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ ﴿۱۶﴾

روزی که دست به حمله می‌زنیم همان حمله بزرگ، ما انتقام کشنده‌ایم(16)

"نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى" برای چه چیزی بزرگترین لشکر کشی الهی اتفاق خواهد افتاد؟

این حمله بسیار عظیم خواهد بود اما نه توسط انسان‌ها بلکه توسط فرشتگان الهی که در آن زمان به رهبری امام عصر برای نجات انسان‌ها صورت خواهد گرفت!

ظاهرا حد درگیری به دلیل باز شدن سد محافظ به قدری سخت و دشوار هست که حتی برای پاک‌سازی زمین از لوث آن‌ها، اقوام غیر انسانی جابلقا و جابلسا نیز به کمک ما می‌آیند!

سد ذوالقرنین فقط یک سد ۲ بعدی نیست، بلکه یک سد چند بعدی هم هست ظاهرا این سد فقط دور زمین را در برنگرفته ، بلکه زیر آن را هم تحت پوشش قرار داده است.

این احتمال وجود دارد که با فوران آتشفشان‌ها مواد تشکیل دهند سد محافظ بتدریج با فوران تخلیه شده و بعد بتدریج سد ضعیف شده و آن اتفاق یعنی حمله میلیاردی آنها رقم بخورد!!!

راستی می‌دانستید که از ۶۰ روز قبل تاکنون حدود ۵۰ آتشفشان در جهان فوران کرده‌اند و همچنان خیلی از آنها هم فعال هستند؟